

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی در عصر قاجار با تکیه بر تحلیل گفتمانی یادداشت‌های امیرکبیر و جستن شیل

نرگس علیپور*

(تاریخ دریافت: 93/2/9، تاریخ پذیرش: 93/7/27)

چکیده

جریان منع برده‌فروشی که از اواخر قرن هجدهم میلادی/دوازدهم هجری قمری از فرانسه آغاز شده و به تدریج سراسر اروپا را فراگرفته بود، در ابتدای قرن نوزدهم میلادی به آسیا و منطقه خلیج فارس نیز رسید. سردمدار هدایت این جریان در خلیج فارس، انگلیسی‌ها بودند که از هر طریقی سعی در تثبیت بیشتر موقعیت و حفظ منافع خویش در منطقه داشتند. این مبارزه تا اوایل قرن بیستم میلادی/چهاردهم هجری قمری ادامه یافت.

چرایی شکل‌گیری و تداوم تقریباً به مدت یک قرن این جریان، مسئله‌ای تأمل‌برانگیز است که در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف به آن پرداخته‌ایم. این روش رویکرد تحلیل متنی دارد و متون را به مثابه نمودار حساس فرآیندها، حرکت‌ها و گوناگونی‌های سیاسی و اجتماعی به کار می‌گیرد؛ بنابراین در پژوهش پیش‌رو، با انتخاب بخشی از یادداشت‌های امیرکبیر و جستن شیل وزیرمختار انگلیس در تهران - که در فاصله بین 17

*alipour.narges@yahoo.com

1. دانشجوی دکتری، تاریخ ایران، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

ربیع‌الثانی تا 10 جمادی‌الاول 1267 درباره منع برده‌فروشی به تحریر درآمدند - به تحلیل این جریان پرداخته و از این رهگذر، نفوذ و تسلط «گفتمان امپریالیسم» در مناسبات قدرت و درمقابل، ضعف حکومت مبتنی بر «گفتمان استبداد مطلقه» قاجار را از علل اصلی ایجاد و تداوم مبارزه با برده‌فروشی در این دوره برشمردیم.

واژگان کلیدی: تحلیل انتقادی گفتمان، منع برده‌فروشی، خلیج‌فارس، قاجار.

1. مقدمه

در سال 1210 ه. ق آقامحمدخان قاجار دولتی مبتنی بر «اتحاد ایلپاتی» را تأسیس کرد. از این تاریخ، ایلات و نیروهای پراکنده در سراسر ایران تحت لوای حکومت مرکزی نسبتاً پایدار قرار گرفتند؛ البته، این ثبات و تمرکز قدرت بر اثر ضعف سران قاجار بعد از آقامحمدخان و در نتیجه، افزایش نفوذ و دخالت بیگانگان (به‌ویژه روس‌ها و انگلیسی‌ها) به سرعت کاهش یافت. این کشورهای منفعت‌طلب برای افزایش نفوذ خود و کسب منافع بیشتر در ایران، دست به رقابت زدند و برای نیل به اهداف استعمارگرانه و خودخواهانه خود از هیچ تلاشی دریغ نکردند و باتوجه به ضعف سیاست‌مداران قاجار، اغلب هم‌قادر به تحمیل خواست و اراده خود بودند؛ به‌طوری‌که روس‌ها بعد از پیروزی در جنگ با ایران، غنایم اقتصادی و سرزمینی بسیاری به‌دست آوردند. انگلیسی‌ها نیز در نتیجه دخالت مستقیم در جدایی هرات از ایران و اقدامات خود در خلیج‌فارس، مرزهای ایران را محدود کردند. بخشی از فعالیت‌های انگلیسی‌ها در خلیج‌فارس مربوط به مسئله برده‌فروشی و منع آن در میان شیوخ حاکم در این منطقه بود. برده‌فروشی که از اواسط قرن دوازدهم هجری قمری در منطقه خلیج‌فارس در حال افزایش بود، در اواخر این قرن و اوایل قرن سیزدهم هجری قمری، با تأثر از اعلامیه حقوق بشر مجلس ملی فرانسه در 1208 ه. ق / 1794 م و ایجاد نهضتی علیه برده‌فروشی و برده‌داری در اروپا، دچار دگرگونی شد و دستاویز خوبی برای دولت‌های اروپایی به‌ویژه انگلیس جهت افزایش نفوذ و تسلط‌شان در خلیج‌فارس قرار گرفت. انگلیسی‌ها به دنبال حفظ و تقویت جایگاه خود در منطقه، درباب منع برده‌فروشی در خلیج‌فارس، قراردادهای متعددی با سران حکومت‌های منطقه از جمله

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

امام‌مسقط، سلطان عثمانی و درنهایت، شاه ایران (محمدشاه و سپس ناصرالدین شاه) بشوند. ایران آخرین کشور منطقه بود که تن به خواسته‌های انگلیسی‌ها در این زمینه و بستن قرارداد با آن‌ها داد که طی آن به علت مخالفت‌های علمای شیعه و پافشاری امیرکبیر در نپذیرفتن خواسته‌های خودخواهانه انگلیسی‌ها، مذاکرات و مراسلات فراوانی میان نمایندگان رسمی دولت انگلیس در ایران و سران دولت قاجار صورت گرفت.

از آنجایی که برای تحلیل فرآیندهای اجتماعی و سیاسی به‌طور عام و رویدادها و وقایع به‌طور خاص، تحلیل متون ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به شخصیت و نقش سیاسی امیرکبیر در اتخاذ سیاست‌های متفاوت از سایر سران دولت قاجار در جهت حفظ منافع ملت ایران، بخشی از یادداشت‌های وی با جست‌وجوی شیل¹ وزیر مختار انگلیس در تهران، انتخاب شده است تا با روش تحلیل انتقادی گفتمان² نورمن فرکلاف³ تجزیه و تحلیل شود. از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان، درون‌مایه‌ها و نگاه ایدئولوژیک نویسندگان متون در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد توجه قرار می‌گیرد. روش تحلیل این‌گونه است که ابتدا بافت موقعیت (موقعیت تاریخی، جامعه‌شناسی و محیطی) به‌عنوان عناصر گفتمان بررسی شده و سپس متناسب با پرسش‌های فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی در خلیج فارس، بررسی شده است. مطابق با فرضیه‌ی میانجی تحقیق، ایجاد جریان منع برده‌فروشی در خلیج فارس از نتایج سلطه‌گری، توسعه‌طلبی و برتری‌جویی دولت انگلیس یا به‌عبارتی تسلط «گفتمان امپریالیسم»⁴ در ایران و کشورهای هم‌جوار بود. و ضعف موضع قدرت مبتنی بر گفتمان استبداد مطلقه (پاتریمونیا⁵ سنتی) شاهان قاجار، بر تداوم این جریان تا اوایل قرن بیست میلادی تأثیر بسزایی داشت.

روش‌شناسی پژوهش

تحلیل انتقادی گفتمان از زبان‌شناسی انتقادی ناشی می‌شود. هدف زبان‌شناسان از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. (آقاگل‌زاده و غیثیان، 1386: 39) این رویکرد از زبان‌شناسی، زبان و گفتمان را در ارتباط با

مسائل کلان جامعه از قبیل نهادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های مرتبط با مراکز قدرت سیاسی و اجتماعی به کار گرفته‌اند. زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی است و در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ واقع شده است.

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان است. در نظر او، تحلیل انتقادی گفتمان به ما می‌گوید که تحلیل دقیق متون باید به جزئی مهم از تحلیل‌های علمی اجتماعی کل اعمال و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود (فرکلاف، 1379: 118).

فرکلاف، تحلیل متن را دو گونه می‌داند که مکمل یکدیگرند: تحلیل زبان‌شناختی⁶ و تحلیل درون‌متنی⁷ و معتقد است که تحلیل زبان‌شناختی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد که علاوه بر سطوح متعارف آن (نظیر واج‌شناسی⁸، دستور زبان تا حد تحلیل جمله و واژگان، و معناشناسی⁹)، مسائل فراتر از حد جمله در متن را نیز تحلیل می‌کند، مسائلی همچون انسجام بین جمله‌ای و جنبه‌های گوناگون ساختار متون که مورد بررسی تحلیل‌گران گفتمان و تحلیل‌گران مکالمه قرار می‌گیرد. تحلیل زبان‌شناختی نشان می‌دهد که چگونه متون از نظام‌های زبانی به نحو گزینش‌گرانه بهره می‌گیرند، حال آنکه تحلیل درون‌متنی نشان می‌دهد که متون چگونه از نظم‌های گفتمان به نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کنند. وی با نگاهی به نظر باختین، تحلیل درون‌متنی را مکملی ضروری برای تحلیل زبان‌شناختی برمی‌شمرد (فرکلاف، 1379: 122).

سطوح تحلیل گفتمان از نظر فرکلاف عبارت است از: سطح اول گفتمان به مثابه متن، (مرحله توصیف)؛ سطح دوم گفتمان به مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر¹⁰)؛ سطح سوم که سطح کلان است، گفتمان به مثابه زمینه است (مرحله تبیین¹¹). مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد.

مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند.

(فرکلاف، همان، 167-252)

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

یادداشت‌های امیرکبیر و جستن شیل، وزیرمختار انگلیس، (17 ربیع‌الثانی الی 10 جمادی‌الاول 1267)

شیل به امیرکبیر

1- جناب جلالت و نبالت نصاباً مجددت و فخامت انتساباً محبان استظهاراً مشفقاً مکرماً علباً اولیای دولت علیه انگلیس دوستدار را مأمور فرموده‌اند که درباب حمل و نقل غلام و کنیز سیاه از راه دریا به ایران به اولیای دولت علیه ایران اظهار دارد که از امضای فرامین شاه مغفور از سرکار اعلیحضرت شهریاری کمال استرضای خاطر حاصل فرموده‌اند. ولی چنین استنباط کرده‌اند که از برای استدلال نتیجه 5- دوستی دولت ایران نسبت به دولت انگلیس قسمی باید تا اینکه آن فرامین مجری شود. سابقاً تخلف و تمرد آن‌ها را از احکام به نظر آن جناب رسانید. گذشته از آن سلطان روم و امام مسقط و جمیع مشایخ اعراب بحرالعجم احکام ممانعت از برای رعایای خود مثل اینکه از سرکار اعلیحضرت شهریاری شرف صدور یافته است، صادر کردند. اما از برای اینکه آن ممانعت مجری شود، اذن به کشتیهای دولتی انگلیس داده‌اند که کشتیهایی که به علم خود آن‌ها حامل غلام و کنیز سیاه باشند آن‌ها را تفحص و تجسس کرده و 10- معطل نمایند. قبل از این معلوم داشته است که مردمان دور و وحشی آن سواحل مضامین فرامین را به چه قسم اطاعت نکردند در آوردن غلام و کنیز سیاه به این مملکت و بر امنای دولت ایران واضح باشد که چون در این صورت و با این احوالات راهی از برای ممانعت آن‌ها نیست. همان رعایای ایرانی بی‌واهمه مشغول در حمل و نقل غلام و کنیز سیاه به خاک متعلقه به سلطان روم و امام مسقط و مشایخ اعراب خواهند شد. لهذا دولت انگلیس زیاد طالب هستند که کشتیهای دولت انگلیس مأذون باشند که کشتیهای 15- ایرانی که احتمال می‌رود غلام و کنیز سیاه در آن‌ها باشد، جست‌وجو کرده آن غلام و کنیز را برداشته به جزیره که سایر غلام و کنیز از او را می‌برند، برده که در آنجا به آزادی بکاسبی خود روزگار بگذرانند. و هم آن کشتی‌ها را با اهالی آن‌ها که در این معامله مشغولند به دولت ایران بسپارند که خود آن‌ها تنبیهی را که از برای تمرد کردن باحکام سرکار اعلیحضرت شهریاری شایسته بدانند، جاری نمایند. در این باب دولت انگلیس زیاده از حد مراقب می‌باشند و امید زیاد دارند که دولت ایران این خواهش را قبول نمایند و آن اذن 20- را بدهند. زیرا که اگر چنین اذنی نباشد،

صدور چنین فرامین بی‌حاصل خواهد بود زیاد از آن خاطر جمعی که سابقاً از زمان شرفیابی حضور بسرکار اعلیحضرت شهریاری و هم به خود آن جناب داده بود چیزی به خاطر نمی‌رسد. اگر باز همان خاطر جمعی را می‌دهد یعنی دولت انگلیس هرگز اظهار نمی‌کردند که اگر یک سرموئی از هر راه نقصی از برای ایندولت می‌داشت. قبول کردن دولت علیّه عثمانلو باین تکلیف دلیل کاملی است بر حقیقت این مطلب و توقع تمام دارد که همان دوستی را که دولت عثمانلو در این باب 25- به دولت انگلیس ظاهر کرده است، دولت ایران هم بقدر همان دوستی خود را ظاهر سازند.

چون لازم بود اظهار داشت. تحریراً 17 شهر ربیع‌الثانی سنه 1266
جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهاری مشفق مکرّم میرزا تقی‌خان امیرکبیر با احتشام مطالعه فرمایند. (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QH1263-6-15-9)¹²

امیرکبیر به شیل

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقاً معظماً
30- شروخی مفصل که در هفدهم شهر ربیع‌الثانی و هشتم جمادی‌الاول درباب سیاهها به دوستدار قلمی و ارسال داشته بود، واصل و مسطوراتش از مطلع تا مقطع استحضار حاصل شده، مراتب را عرضه حضور آفتاب ظهور اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه داشته، فرمودند که در جواب به آن جناب دوست مشفق معظم اعلام و اظهار دارد که باید جناب جلالت‌مآب وزیرمختار که الحق شخصی با فطانت و درایت و انصاف است تا به حال از مکنونات ضمیر مستحضر شده باشد که اراده باطنی و میل قلبی ما بر 35- اینست که روز بروز بر مراسم معاونت و مواحدت دولتین فخیمتین ایران و انگلیس افزایش و تا بتوانیم می‌خواهیم خواهش دوستانه آن دولت بهیه را بعمل آوریم. چنانچه مکرر بالمشافهه العلیه بجناب وزیر مختار فرموده‌ایم و بآنجناب مجدداً و مؤکداً می‌فرمائیم که میل قلبی ما را بدوستی دولت و ملت انگلیس حالی جناب وزیرمختار نماید. چنانچه امضای قرار شاهنشاه مغفور که تبعه دولت علیّه ایران از راه دریا سیاه حمل ننماید یکی از دلایل دوستی و علایم یک جهتی ما

چرایی شکل گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

با دولت فخریه انگلیس است. و مجدد و مؤکد به 40- حکام فارس و سواحل بحرالعجم و خوزستان نیز فرامین مطاعه صادر خواهد شد که تبعه دولت علیه از راه دریا سیاه نیاورند. اما علاوه از آنچه شاهنشاه مغفور درباب نیاوردن سیاه از راه دریا قرار داده‌اند، صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم و برای خود مضر می‌دانیم. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی 9 شهر جمادی‌الاول سنه 1266

حاشیه: صحیح است این نوشته جناب امیرنظام به وزیرمختار دولت انگلستان و موافق فرمایش است فی 45- شهر جمادی‌الاول 1266 (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QHI264-6-6-2)¹³

شیل به امیر کبیر

جناب جلالت و نبالت نصابا مجدت و فخامت انتسابا محبان استظهارا مشفقاً معظماً از جواب مراسله دوستدار درباب حمل سیاه‌ها از راه دریا که ارسال رفته بود نه تنها باعث یأس دولت انگلیس خواهد شد، باعث تأسف دوستدار نیز گردید. تأسف دیگر اینکه ضمناً انکار از انجام رسانیدن مطلب دولت انگلیس است که درحقیقت خلاف منفعت این مملکت می‌شود و اعتقاد کلی دارد که از قبول 50- کردن این مطلب باعث منفعت می‌شود نه ضرر. باز امنای این دولت را دعوت می‌نماید که در این خصوص تفکری نمایند. در زمان شرفیابی حضور سرکار اعلیحضرت شهبازی به دوستدار صریح فرمایش ملوکانه فرمودند که در این خصوص جواب خوش و دلپذیر از امنای دولت به شما خواهد رسید و آشکار است که معنی این فرمایش این بود که خواهش دولت انگلیس را قبول فرمایند. از آن جناب مسئلت می‌نماید که آیا موافق عدل است که وزرای با درایت دستورالعمل به سلاطین بدهند که از آنچه فرموده‌اند، 55- اختلاف رأی بهم رسانند.

زیاده زحمتی ندارد. تحریراً دهم جمادی‌الاول سنه 1266

جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و فخامت انتساب محبان استظهاری میرزا تقی‌خان امیرکبیر مطالعه فرمایند. (مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QHI263-6-15-5)¹⁴

بافت موقعیتی¹⁵

تحلیل گفتمان، متن را در دو سطح متن¹⁶ و بافت موقعیت تحلیل می‌کند. توجه به این سطوح در کشف ایدئولوژی و نگرش نویسنده از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ بنابراین ابتدا بافت موقعیت را بررسی کرده تا مخاطب پیش‌زمینه ذهنی مناسبی نسبت به موضوع مورد تحلیل پیدا کند.

موقعیت محیطی و جغرافیایی

خلیج فارس و بنادر آن در جنوب ایران محل اصلی ورود غلامان و کنیزان آفریقایی تبار بود. سابقه تجارت برده در این منطقه به قرن دوازده ق/هجده م می‌رسد. (ویلسون، 1366: 248) از بین بنادر جنوبی ایران، تنها بندری که برای حمل برده مستقیماً قایق به شرق آفریقا (منبع اصلی صدور برده به خلیج فارس) می‌فرستاد، بندر لنگه بود. (عیسوی، 1362: 191) در سایر بنادر ایرانی چون بوشهر، محمره، بندرعباس، کنگان، قشم و خارک نیز خریدوفروش برده صورت می‌گرفت. بردگانی که به بنادر عمان، از جمله مسقط و صور، می‌رسیدند در گروه‌های کوچک به بنادر خلیج فارس از جمله بنادر ایران منتقل می‌شدند. از سال 1848م/1262 به بعد، به واسطه امضای قراردادهای منع تجارت برده توسط امام مسقط، شیخ‌نشین‌های عرب خلیج فارس و دولت عثمانی، بندر محمره (خرمشهر کنونی) که تحت بیرق ایران از بازرسی کشتی‌های انگلیسی معاف بود، به تدریج تبدیل به مرکز تأمین برده به‌ویژه برای ترک‌ها شد؛ زیرا در مجاورت مرزهای امپراتوری عثمانی قرار داشت. غلامان و کنیزان از این بندر به بصره که در خاک عثمانی قرار داشت، انتقال پیدا می‌کردند. (Kelly, 1968: 593) این بنادر مبادی ورودی و مراکز مبادلات تجاری بردگان آفریقایی بودند که مقصد نهایی غالب آن‌ها شهرهای پس‌کرانه‌های دوردستی، مانند کرمان، شیراز، بغداد بود. (Amanat, 1983: 172)

موقعیت تاریخی

مذاکره با دولت ایران برای بستن بنادر ایرانی خلیج فارس بر روی تجارت برده، نخستین بار در 1257ق/1841م آغاز شد. در ژوئیه 1841، پالمستون¹⁷ از مکینل¹⁸ خواست که مسئله

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

ممنوعیت کامل ورود برده به ایران را در اولین فرصت با مقامات ایرانی در میان بگذارد. (Kelly, 1968: 593) اما مکنیل این مسئله را اصلاً با مقامات ایرانی در میان نگذاشت و تا بازگشت دوباره پالمستون به وزارت خارجه، پنج‌سال بعد، اشاره‌ای به آن نکرد. (Ibid: 594) زیرا روابط ایران و انگلیس به واسطه مسئله هرات در این زمان به کلی تیره بود و دربار شاه، مکنیل را به‌عنوان مأمور افسونگر نیرنگساز می‌شناخت و حاضر نبود وقعی به سخنان او نهد (آدمیت، 1362: 516). در 1262ق، پالمستون به سرهنگ جستن شیل وزیرمختار در تهران دستور داد که متن معاهده سال 1261ق با مسقط را به اطلاع وزرای شاه برساند و درخواست نماید شاه فرمانی صادر کرده و ورود برده به بنادر ایران در خلیج فارس را ممنوع کند و به کشتی‌های انگلیسی اجازه دهد این ممنوعیت را به مورد اجرا بگذارند. اولین تماس شیل با دربار ایران در سال 1262ق با موفقیت کمی روبه‌رو شد. با وجودی که حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم وقت ایران، به گفته خود شخصاً طرفدار ممنوع شدن تجارت برده بود ولی امید کمی داشت که شاه با آن موافقت کند. (Kelly: op. cit)

درباب منع تجارت برده فی‌مابین اولیای دولت ایران و سفارت انگلیس از 27 ذیحجه 1262 الی رجب 1264 نوشتجاتی ردوبدل شد. (علیپور، 1390: 22) جستن شیل از حاجی میرزا آقاسی، جانب‌داری دولت ایران درباب منع تجارت غلام و کنیز سیاه را خواستار شد که با مخالفت محمدشاه روبه‌رو شد. شیل در این کار کامیابی نیافت و به‌طور موقت به لندن رفت و سرهنگ تی. فرنٹ¹⁹، جانشین موقت شیل در تهران، کار او را دنبال کرد و فرمان الغای برده‌فروشی را به‌دست آورد. متن فرمان محمدشاه چنین است:

«جناب حاجی نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود، بگذارید از راه خشکی بیاورند. این مرحمت فقط در حق فرانت صاحب می‌شود و من از او خشنود می‌باشم و به این مطلب رضایت داده‌ام. در این باب به حکام فارس و عربستان بنویس. محض خوبی فرنٹ قبول کرده‌ام اگر نه پاره‌ای گفتگو میان ما و دولت انگلیس است.» (آدمیت، همان: 518)

متعاقب دستخط شاه به حاجی میرزا آقاسی دو فرمان دیگر، یکی خطاب به والی فارس و بنادر و دیگری خطاب به حاکم اصفهان و خوزستان صادر گردید که در هر دو فرمان موضوع منع ورود غلام و کنیز سیاه فقط از راه دریا قید گردیده بود. (همان: 520)

مقصود انگلیسی‌ها هم همین بود؛ زیرا نظر اصلی آن‌ها بازرسی کشتی‌هایی بود که در خلیج فارس و دریای عمان رفت‌وآمد می‌کردند و می‌خواستند بدین وسیله نفوذ خود در این مناطق را گسترش داده و سیادت دریایی پیدا کنند. مرحله نخست مبارزه با برده‌فروشی با فرمان‌های مزبور انجام گرفت. ورود و خروج بردگان از طریق دریا ممنوع شد؛ ولی از راه خشکی ممانعتی نداشت.

مرحله دوم الغای برده‌فروشی در چگونگی اجرای آن آغاز شد. چندماه بعد، محمدشاه درگذشت و ناصرالدین‌شاه به‌جای او به تخت نشست. صدارت ناصرالدین‌شاه به میرزا تقی‌خان امیرنظام (امیرکبیر) واگذار شد. صدارت امیر، جریان مذاکرات را پیچیده‌تر کرده و انگلیسی‌ها را از رسیدن به اهداف‌شان دور کرد. در صفر سال 1265، سرهنگ فرنٹ درمورد درخواست پالمستون برای اختیاردادن به ناوهای بریتانیایی در بازرسی و توقیف کشتی‌های ایران در اجرای فرمان محمدشاه با امیر تماس گرفت. امیرکبیر در اجرای این تعهد فرامینی به حکام فارس و سواحل خلیج فارس و خوزستان در منع حمل سیاه از راه دریا صادر کرد. برای این کار حسن علی‌خان مأمور دولت را به بوشهر فرستاد و او را به سفارت انگلیس نیز معرفی کرد و مقرر داشت برده‌فروشان را جریمه مالی بکنند و کشتی‌های آن‌ها توقیف شود. (ادمیت، همان: 522) شیل در 1266 به تهران بازگشت و مذاکرات خود با دولت ایران را از سر گرفت.

تحلیل انتقادی گفتمان

در این بخش، یادداشت‌های مورد پژوهش، با توجه به الگوی تحلیل نورمن فرکلان در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و تحلیل می‌شود.

توصیف متن

مقصود از توصیف در این مرحله، شناخت متن در چارچوب بافت متن و ربط منطقی بین کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی²⁰ کلمات و واژگان است. در تحلیل گفتمان انتقادی مکاتبات مذکور در این سطح بیشتر به این موارد توجه می‌شود: انتخاب نوع واژگان، هم‌نشینی و هم‌آیی، تضاد معنایی، کاربرد ضمائر ما و شما، روابط و ارزش‌های بیانی، رابطه‌ای و تجربی، ساخت‌های متنی و جنبه‌های استعاری که نگاه ایدئولوژیک نویسندگان را بیشتر بیان می‌کند.

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

این نکات در چند مورد و با انتخاب نمونه‌هایی از واژگان به‌عنوان شاخص برای متغیرهای یادشده در سؤال‌هایی که فرکلاف در سطح توصیف مطرح می‌کند، بررسی می‌شود:

واژگان ارزشی و رابطه‌ای

ویژگی ظاهری عبارات دارای ارزش تجربی، تجربه نویسنده متن از جهان طبیعی یا اجتماعی خود را بازنمایی می‌کند؛ به‌طور مثال، واژگان و عباراتی نظیر «آفتاب ظهور اقدس همایون شاهنشاهی» (سطر 33)، «خلدالله ملکه و سلطانه» (سطر 33)، «علیحضرت شاهنشاهی»، (سطور 4، 8، 19، 22، 52)، «شاهنشاه مغفور» (سطور 39، 40) از ارزش تجربی برخوردارند؛ زیرا به‌لحاظ ایدئولوژیکی به‌خودی‌خود معنادار بوده و به‌گفتمان سیاسی حاکم در عصر قاجار یعنی پاتریمونیا سنتی تعلق دارند که در آن قداست دولت و رابطه مستمر آن با خدا در نظریه شاهی و تجلی قدرت در شخص شاه نمود پیدا کرده است.

کلمات دارای ارزش رابطه‌ای ردپایی از آن دسته از روابط اجتماعی به‌دست می‌دهند که از طریق متن در گفتمان به اجرا درمی‌آیند؛ عباراتی چون «رعایای دولت» (سطر 7، 12)، «تبعه دولت» (سطر 38، 40)، «ولایای دولت» (2، 3)، «امنای دولت» (سطور 11، 50، 52)، «دوستدار» (سطور 2، 47، 48) متضمن ارزش رابطه‌ای هستند که در آن مردم عادی تحت عنوان رعیت، تبعه و صاحبان قدرت، امین و اولیای مملکت برشمرده شده‌اند که در پرتو آن انتظام تعاملات درونی ساختار قدرت سنتی عمودی از بالا به پایین مشاهده می‌شود. از طرفی کلمات رعیت و تبعه، امنا و اولیا از رابطه هم‌معنایی هم برخوردارند؛ چنانچه گاهی در متن، بی‌هیچ مشکلی جایگزین هم شده‌اند.

همچنین استفاده مکرر شیل از واژه «دوستدار» نشان‌دهنده تلاش وی برای نشان‌دادن رابطه دوستانه و خیرخواهانه دولت انگلیس با دولت ایران است.

گفت‌وگویی که در یادداشت‌ها میان امیرکبیر و شیل به چشم می‌خورد، کاملاً رابطه رسمی میان طرفین را روشن می‌سازد که بیانگر ملاحظه مشارکین برای حفظ وجهه یکدیگر و احترام به شأن و مقام دیگری است. اکثر واژگان متن این خصلت را دارند؛ مثل: فرموده‌اند، اظهار دارد، کمال استرضای خاطر، به‌نظر آن جناب، شرف صدور یافته است، شرفیابی حضور، سرکار

اعلیحضرت، جناب جلالت و نصاب و بسیاری از واژگان دیگر که به علت طولانی شدن مطلب، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

ویژگی‌های دستوری

ضمایر «ما» و «شما»: این ضمایر، ارزش رابطه‌ای دارند. در مکاتبات امیرکبیر و شیل، تنها دوبار از ضمیر «ما» استفاده شده است که مرجع آن شاه قاجار یعنی ناصرالدین‌شاه است. «اراده باطنی و میل قلبی ما» (سطور 36 و 37). در اینجا استفاده جامع از «ما» شده است که دلالت بر حکومت و مردم با هم دارد و مفهوم ضمیر «ما» در اینجا کاملاً نقش اقتدارگرایانه شاه را به‌عنوان نماینده تام‌الاختیار و بلامنازع مملکت ایران می‌دهد که نشان از گفتمان پاتریمونیال سستی نشان دارد که در آن حکومت به‌مثابه ملک شخصی سلطان یا فرمانرواست. کلمه «دوستدار» در سه‌جا، در جایگاه فاعلی قرار گرفته است و نقش فاعلی جستن شیل، وزیر مختار انگلیس، را ایفا می‌کند که در بردارنده ارزش تجربی و رابطه‌ای است که قبلاً به آن اشاره شد. ضمیر «شما» در متن وجود ندارد و به‌جای آن از کلماتی چون «دوستدار» (سطر 47) و «آن جناب» (سطر 6، 21، 32، 37، 53) استفاده شده است. مرجع ضمیر دوستدار، جستن شیل و مرجع ضمیر «آن جناب» میان شیل و امیرکبیر جابه‌جا شده است. این واژگان متبادرکننده گویش کاملاً رسمی و اداری رایج در عصر قاجار است.

ارزش‌های رابطه‌ای واژگان

ویژگی‌های متنی ارزش‌های متعارض میان وحدت و اقتدار است که ممکن را نشان می‌دهد از ظهور الگوی گفتمانی جدیدی خبر بدهد. همه این ویژگی‌ها را می‌توان در ارتباط با جایگاه‌های فاعلی نویسندگان متن تفسیر کرد. جملات موجود در یادداشت‌های امیرکبیر و شیل به‌غیر از یک مورد (سطر 54)، همگی خبری هستند که در آن جایگاه فاعل (نویسنده)، جایگاه دهنده اطلاعات و جایگاه مخاطب، جایگاه دریافت‌کننده است. بیشتر اطلاعاتی که شیل بیان می‌کند از وجهیت²¹ بیانی پنهان برخوردار است که به‌نوعی سعی در درست‌نمایی داده‌های خبری‌اش دارد. وجهیت به‌وسیله افعال کمکی و جهی نظیر بایستن، ممکن بودن، احتمال داشتن و ویژگی‌های صوری دیگر از جمله قید و زمان بیان می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در سطر 5، شیل با آوردن کلمه «باید» به‌طور مؤدبانه الزامی را در برآوردن خواسته دولت انگلیس به دولت ایران

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

تحلیل می‌کند که باز نمودی از موضع اقتدارگرایانه وی به‌عنوان نماینده یک دولت قدرتمند در برابر دولت ضعیف قاجار و شاخصی از نفوذ گفتمان امپریالیسمی در این دوره تاریخی است: «[اولیای دولت انگلیس] چنین استنباط کرده‌اند که از برای استدلال نتیجه دوستی دولت ایران نسبت به دولت انگلیس قسمی باید تا اینکه آن فرامین مجری شود.» (سطر 4 و 5)

مثال بعدی مربوط به جمله امیرکبیر از زبان ناصرالدین‌شاه خطاب به شیل است: «اراده باطنی و میل قلبی ما بر این است که روزبه‌روز بر مراسم معاونت و موحدت دولتمین فخرمتمین ایران و انگلیس افزایش و تا بتوانیم می‌خواهیم خواهش دوستانه آن دولت بیهی را بعمل آوریم.» (سطور 34-36). عبارت «تا بتوانیم می‌خواهیم» نشان‌دهنده نوعی نشان‌دهنده اقتدار ضمنی است که در مقاومت ناصرالدین‌شاه با هدایت امیرکبیر (طفره‌رفتن از پاسخ صریح) در برابر اجرای خواسته‌های زورگویانه انگلیس نمود پیدا کرده است.

ساخت متن

متن مورد پژوهش، رسمی و اداری با ارزش تاریخی است. در معادلات سیاسی، به‌این‌گونه متون «یادداشت» گفته می‌شود. یادداشت، نامه رسمی است که به‌وسیله نماینده سیاسی به حکومت خارجی تسلیم می‌شود. این نامه متضمن تشریح مسائل و تقاضای پاسخی است و با عبارات تعارف‌آمیز سیاسی ختم و سپس مهر و امضا می‌شود. سه یادداشت ذکر شده در بالا، نیز تا حد زیادی منطبق با این نظم ساختاری است و شامل جمله خطابی، رکن کلام (موضوع) و «خاتمه» است.

با مروری بر افعال کاربردی در یادداشت شیل به امیرکبیر، بُعد وجهی (قطعیت و شناخت کمتر) متن، پررنگ‌تر دیده می‌شود. از این میان، تنها فعل «اعتقاد کلی دارد» (س 49) از نوع غیروجهی (قطععی) است که قطعیت و اطمینان زیادی دارد. سایر افعال، خاصیت غیرقطععی یا همان وجهی را دارند؛ مثل «طالب هستند» (14)، «امید زیاد دارند» (س 19)، «توقع تمام دارد» (س 24)، یا «چنین استنباط کرده‌اند» (س 4). این موارد، نبود تحکم و قطعیت شیل در بیان خواسته‌های دولت مطبوع خویش را نشان می‌دهد؛ اما آیا این ضعف موضع مأمور انگلیس در برابر کارگزاران ایرانی را نشان می‌دهد؟ یا نشان‌دهنده نوعی ویژگی فریب‌زبانی است. اگرچه در برهه زمانی مورد بحث، شخصیت سیاس و مستقلی چون امیرکبیر بر سر قدرت است و بر

جریان‌های سیاسی، اثرگذار، با وجود این نمی‌توان قدرت استعمارگر و امپریالیستی انگلیس منکر را شد که در اجرای خواسته‌های خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد. با این وصف می‌توان خاصیت و جهت (عدم قطعیت) یادداشت‌های شیل را بیشتر نوعی فریب زبانی قلمداد کرد تا ضعف موضع قدرت. این مسئله در بررسی طول جمله‌ها هم قابل اثبات است. جمله‌های کوتاه‌تر از صراحت و قطعیت بالاتری درمقابل جمله‌های بلندتر برخوردارند؛ زیرا پرگویی نشانه پنهان‌کاری است و پنهان‌کاری بنابه هر دلیل که باشد، درصد بیگانه نگه‌داشتن شنونده و یا خواننده از حقایق است. جمله‌هایی که شیل استفاده می‌کند عمدتاً طولانی و بلند است که به همان خصلت فریب زبانی برمی‌گردد. این امر از دید امیرکبیر هم مخفی نماند که در قالب پاسخی هم‌شان، نشان داده شده است. فریدون آدمیت در این‌باره می‌نویسد: «... نماینده انگلیس با عبارات آراسته و نرم می‌خواهد ایران را خودبه‌خود به قبول پیشنهادش وادارد، امیر نیز با همان زبان پاسخ می‌داد که دستورهای مؤکد صادر گشت. چون شیل تندتر و روشن‌تر می‌نوشت، امیر هم صریح‌تر و سخت‌تر جواب می‌داد. همین که شیل می‌گفت: دولت انگلیس هرگز این تقاضا را نمی‌کرد «هرگاه از هر راه ضرر و نقصی» (سطر 23) برای ایران داشت، امیر جواب می‌داد: این کار را صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم» (سطر 42) (آدمیت، همان: 523)

هم‌آیی²² واژگانی

هم‌آیی واژگانی به‌عنوان یک از ابزارهای انسجام متنی، عبارت از واژه‌هایی است که به‌نحوی با یکدیگر رابطه معنایی دارند و به نوعی جهان‌بینی و ایدئولوژی پنهان نویسنده را مشخص می‌کنند؛ مانند: «فرامین شاه»، «علیحضرت شهریار»، «رعایای خود»، «شرف صدور یافته است»، «شرفیابی»، «عرضه حضور آفتاب ظهور»، «اقدس همایون شاهنشاهی»، «خلدالله ملکه و سلطان»، «شاهنشاه مغفور»، «تبعه دولت علیه»، «فرامین مطاعه»، «موافق فرمایش»، «فرمان ملوکانه»، «دستورالعمل سلاطین». همه این عبارات با هم رابطه معنایی دارند و از حاکمیت گفتمان «پاتریمونیال سنتی» نشأت می‌گیرند.

تفسیر متن

بافت درون‌متنی²³

گفتمان‌ها و متون آن‌ها تاریخ دارد و به مجموعه‌های تاریخی وابسته‌اند و تفسیر بافت درون‌متنی²⁴ به این موضوع بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و نشان دهیم که متن چگونه از نظم‌های گفتمان به‌نحوی گزینش‌گرانه استفاده می‌کند. پذیرش بافت درون‌متنی مستلزم این است که به گفتمان‌ها و متون از دریچه چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود. (فرکلاف، 1379: 230 و 235) برای شناخت نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، تنها پرداختن به صورت متن کافی نیست؛ زیرا ارزش ویژگی‌های متنی، تنها با واقع‌شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه‌ای واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی عملی می‌شود. در این مرحله است که متون براساس پیش‌فرض‌هایی مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند. در این بخش، زمینه مشترک بافت درون‌متنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در یادداشت‌ها بررسی می‌شود.

در نمونه مورد پژوهش، آنچه از دیدگاه درون‌متنی قابل توجه است، پیوند گفتمان پاتریمونیال سنتی (استبداد مطلقه) و گفتمان امپریالیسم است. با توجه به لحن خطایی یادداشت‌ها، می‌توان گفت که شالوده درون‌متنی آن‌ها به مخاطب مربوط بوده و با طرح قبلی برای مخاطب خاص نوشته شده است؛ بنابراین در تحلیل درون‌متنی، این نکته در نظر گرفته می‌شود که شیل و امیرکبیر هردو از گفتمان‌های رایج این دوره از تاریخ ایران آگاه‌اند. چنانچه تشریح مسائل با عبارت‌های تعارف‌آمیز سیاسی و کاملاً رسمی در دو یادداشت شیل به امیرکبیر، نشان از توجه وی به شاخصه‌های گفتمان پاتریمونیال سنتی دارد.

احتیاط و مقاومت ضمنی امیرکبیر در برابر خواسته‌ها و مطالبات شیل در یادداشت دوم را نیز می‌توان نشان از شناخت وی نسبت به «گفتمان امپریالیسم» و نفوذ آن در کشورهای ضعیف همچون ایران دانست. این واکنش محتاطانه از طرف امیرکبیر در سطر چهل و دو کاملاً دیده می‌شود:

«... اما علاوه از آنچه شاهنشاه مغفور درباب نیاوردن سیاه از راه دریا قرار داده‌اند، صرفه و صلاح دولت خود نمی‌دانیم و برای خود مضر می‌دانیم.»

پیش فرض‌ها²⁵

پیش فرض‌ها ویژگی متن نیستند، بلکه جنبه‌ای از تفسیر تولیدکنندگان متن²⁶ از بافت درون‌متنی هستند. بسیاری از ویژگی‌های صوری متن به این پیش فرض‌ها اشاره دارند؛ از جمله حرف تعریف، بندهای پیرو، جملات دربرداخته کلمات پرسشی و بندهای موصولی که پیش از افعال و صفات معینی (متأسف بودن، دریافتن، متذکرشدن، آگاه، عصبانی و غیره) می‌آیند. (فرکلاف، همان: 230) در بین پیش فرض‌های این یادداشت‌ها، موارد زیر یادآوری می‌شود:

یادداشت اول (شیل به امیرکبیر)

رضایت دولت انگلیس از امضای فرمان منع حمل و نقل غلام و کنیز توسط شاه مغفور (محمدشاه)، استحکام روابط دوستی دولت انگلیس و دولت قاجار در نتیجه اجرای فرمان، ترمد کشتی‌های ایرانی از اجرای فرمان، عدم توانایی ایران در ممانعت از حمل غلام و کنیز از سواحل خلیج فارس به ایران، بی‌حاصل بودن فرمان منع بدون دخالت اجرایی نیروهای انگلیسی، ضرر نداشتن جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی توسط نیروهای انگلیسی برای ایران.

یادداشت دوم (امیرکبیر به شیل):

تلاش دولت ایران در حفظ روابط دوستانه با دولت انگلیس، امضای فرمان منع برده‌فروشی به علت دوستی و اتحاد با دولت انگلیس، مضر بودن دخالت نیروهای انگلیسی در جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی برای دولت ایران.

یادداشت سوم (شیل به امیرکبیر)

امیدوارکننده نبودن پاسخ امیرکبیر برای دولت انگلیس، ضرر دولت ایران از اجازه نیافتن نیروهای انگلیسی در تفحص کشتی‌های ایرانی، دخالت امیرکبیر در تصمیم ناصرالدین شاه در اجرای خواسته‌های انگلیسی‌ها.

پیش فرض‌ها گاهی اوقات «واقعی» و در مواردی «عوام‌فریبانه» هستند. پیش فرض‌ها همچنین می‌توانند کارکردهای ایدئولوژیک داشته باشند و این در مواردی است که آنچه آن‌ها مفروض می‌دارند، خصوصیت «عقل سلیم در خدمت قدرت» را داشته باشند. از بین

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

پیش‌فرض‌های یاد شده دو پیش‌فرض که در مقابل هم قرار دارند، مهم است: «ضرر نداشتن جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی توسط نیروهای انگلیسی برای ایران» در یادداشت شیل به امیرکبیر. «مضر بودن دخالت نیروهای انگلیسی در جست‌وجوی کشتی‌های ایرانی برای دولت ایران» یادداشت امیرکبیر به شیل. از مسلماً یکی از این دو مورد واقعی و ... و دیگری عوام‌فریبانه است. با نگاهی به جریان منع برده‌فروشی و نتایج به‌دست آورده از آن در تاریخ ایران، نیت عوام‌فریبانه شیل در نوع بیان درخواست دولت انگلیس بیشتر آشکار می‌شود. اولیای دولت ایران، به‌ویژه امیرکبیر، نیز به این مسئله واقف بودند و اجازه تفتیش کشتی‌ها را موجب برهم خوردن تجارت خلیج فارس و سلب اطمینان بازرگانان می‌دانستند. (آدمیت، همان: 523)

از پیش‌فرض‌های مهم دیگر «دخالت امیرکبیر در تصمیم ناصرالدین‌شاه در اجرای خواسته‌های انگلیسی‌ها» است که در یادداشت دوم شیل به امیرکبیر آمده است. این پیش‌فرض به واقعیت نزدیک بود.

جمله «آیا موافق عدل است که وزرای با درایت دستورالعمل به سلاطین بدهند که از آنچه فرموده‌اند اختلاف رأی بهم رسانند؟» (سطر 54 و 55) نشان از نارضایتی زیاد شیل از مشاوره شاه با امیرکبیر دارد. به قول آدمیت «البته وزیران با درایت باید «دستورالعمل به سلاطین بدهند»، وگرنه سرنوشت مملکت به‌دست پادشاهان می‌افتد که اغلب مردم خودسر و نادان هستند؛ وزارت و صدارت حتی در سلطنت مطلقه بنیاد سیاسی و قوی و معتبری بشمار می‌رفت». (آدمیت، همان: 524)

پیش‌فرض «امیدوارکننده نبودن پاسخ امیرکبیر برای دولت انگلیس» نیز در اعمال سیاست موازنه منفی توسط امیرکبیر دارد که قبلاً درباره آن صحبت شد.

پیش‌فرض مهم دیگر «عدم توانایی ایران در ممانعت از حمل غلام و کنیز از سواحل خلیج فارس به ایران» است که در یادداشت اول شیل آمده است. ضعف قدرت مرکزی در جنوب ایران، به‌ویژه سواحل خلیج فارس، که شیوخ عرب در آن به استقلال حکم می‌راندند و از فرامین دولت مرکزی فرمانبرداری نداشتند، دستاویز خوبی برای ورود نیروی دریایی انگلیسی‌ها به آب‌های خلیج فارس برای حفظ امنیت منطقه شده بود. امیرکبیر می‌کوشید با تمرکز قدرت در حکومت مرکزی و بسط آن در سراسر منطقه جنوبی و کرانه خلیج فارس و تأسیس بحریه جدید، از طرفی سهم ایران را در سیاست خلیج فارس افزایش دهد و از سوی

دیگر بهانه‌جویی انگلیس را که می‌گفت ایران بحریه ندارد و نمی‌تواند فرمان منع برده‌فروشی را اجرا نماید، متفی گرداند. (آدمیت، همان: 525)

تبیین متن

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر آن ساختارها می‌توانند بگذارند؛ تأثیراتی که سبب حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند. در این پژوهش منظور از ساختارهای اجتماعی، مناسبات قدرت است و هدف از فرآیندها و اعمال اجتماعی، فرآیندها و اعمال مربوط به مبارزه اجتماعی است؛ بنابراین تبیین، عبارت از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است. همان‌طور که گفته شد، مکاتبات امیرکبیر و شیل مربوط به سال 1266 ق است؛ یعنی حدوداً کمتر از دو سال بعد از سلطنت ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر و بیش از نیم‌قرن از شروع حاکمیت قاجارها بر ایران. پس از صفویه، قاجاریه نخستین سلسله بزرگی بود که ایران را از نو یک‌پارچه کرد و بر آن فرمان راند. آقامحمدخان قاجار در مدت نه‌چندان بلندی توانست حکومت متمرکز به‌نسبت قدرتمندی ایجاد کند که در سایه آن امنیت و تجارت، تقویت شده و از شورش‌های ایلی و دیگر مظاهر فروپاشی جلوگیری شد.

مهم‌ترین شاخص ساختار قدرت در عصر قاجار، اقتدار سلطانی و مطلق‌گرایی سیاسی (استبداد مطلقه) بود. این ویژگی در کنار خصلت مذهبی خود، گفتمان پاتریمونیال سستی را آشکار می‌سازد که به گفته بشیریه، گفتمان سیاسی مسلط در ایران پیش از ظهور افشارها و فرآیندهای برخاسته از تجدد غربی بود که درنهایت در قالب جنبش اصلاحات دوران قاجار و نهضت مشروطیت رخ نمود.

گفتمان پاتریمونیالیسم قاجار گفتمان سلطنتی - مذهبی خاصی بود که باتوجه به اجزای تشکیل‌دهنده طبقه حاکمه در آن عصر، یعنی ایل قاجار، دربار سلطنتی، اشراف درباری و روحانیت صاحب قدرت تکوین یافته بود. گزاره‌های ایدئولوژیک طبیعی‌شده در گفتمان

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

پاتریمونیا لیسیم سنتی، در مورد قدرت حاکم، مبتنی بر نظریه شاه‌ی ایرانی، نظریه سیاسی شیعه به تعبیر دوره صفویه، شیوه خاص استبداد دوران قاجار و پدرسالاری قبیله‌ای است. (ششیریه، 1381: 65) استفاده مکرر از عباراتی چون «اعلیحضرت شهریاری» (سطور 4، 8، 19، 22، 52)، «شاهنشاه مغفور» (سطور 39، 42)، «قدس همایون شاهنشاهی» (سطر 33)، «فرمایش ملوکانه» (سطر 53) همگی گفتمان پاتریمونیا لیسیم سنتی را نشان می‌دهند.

اما ویژگی دیگر مناسبات قدرت در این دوره، به‌ویژه بعد از مرگ آقامحمدخان قاجار، نفوذ و دخالت قدرت‌های غربی در صحنه سیاست ایران است. قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران داشت وارد محاسبات دولت‌های اروپایی می‌شد. در همین دوره است که دست‌اندازی روس‌ها به مناطق شمالی ایران آغاز شد. در نهایت، طی عهدنامه ترکمنچای در 1243 ق شمال ایران در قبضه روس‌ها درآمد و اعتبار بین‌المللی ایران کاملاً مخدوش شد. از طرفی انگلیسی‌ها که نمی‌خواستند از رقیب قدرتمند خود، یعنی روس‌ها، عقب بمانند، با تجاوز به سواحل جنوبی ایران و حضور در افغانستان و تحمیل جنگ هرات بر ایران که سبب بستن عهدنامه پاریس در رجب 1273 قمری و جدایی افغانستان از ایران شد، مکمل حرکات تجاوزگرانه روس‌ها شدند.

درواقع پس از بستن قرارداد ترکمنچای که طی آن روس‌ها با همراهی انگلیسی‌ها متعهد شدند از جانشینی عباس میرزا حمایت کرده و حق انتقال حکومت به وارثان او را به رسمیت بشناسند، حکومت قاجار رسماً تحت‌الحمایه بیگانگان قرار گرفت. چنانچه همه سلاطین بعدی قاجار با حمایت مستقیم روس و انگلیس به قدرت رسیدند؛ بنابراین می‌توان حیات طولانی و نسبتاً آرام سلسله قاجار را مدیون این حمایت‌های خارجی قلمداد کرد (کدی، 1381: 49). این وضعیت، ناگزیر ساختار قدرت در ایران را پذیرای گفتمان دیگری می‌کند که می‌توان از آن به‌عنوان گفتمان امپریالیسم²⁷ یاد کرد. ویژگی‌های اصلی این نوع گفتمان عبارت است از: سلطه‌گری، برتری طلبی، توسعه طلبی و قدرت طلبی. تفاوت اصلی این نوع گفتمان با گفتمان استعمارگرایی در این است که استعمارگرایی بدون وجود مستعمره قانونی و جریان مستعمره‌سازی نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ اما امپریالیسم بدون وجود مستعمره‌های رسمی می‌تواند عمل کند. (ساعی، 1385: 135) و از آنجایی که با وجود ضعف‌های فراوان، ایران هنوز مستعمره رسمی دولت دیگری قلمداد نمی‌شد، بنابراین گفتمان استعمارگر را نمی‌توان بر ساختار قدرت آن منطبق کرد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع برده‌فروشی با توجه به مناسبات قدرت در این دوره و با استفاده از روش تحلیل انتقادی گفتمان، بررسی شد. با این رویکرد تحلیلی با روشی توصیفی، تفسیری و تبیینی و هدف شفاف‌سازی گفتمان و گزاره‌های تلویحی پنهان، تلاش شد تا به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود. و دو گفتمان مسلط پاتریمونیال سنتی و امپریالیسم برای این دوره تاریخی معرفی شده و سرنخ‌هایی از این گفتمان‌ها در یادداشت‌های امیرکبیر و شیل به دست آمد. براساس یافته‌ها در سطح توصیف، تفسیر و تبیین، ساختارهای اجتماعی یا همان مناسبات قدرت در رابطه با جریان منع برده‌فروشی ریشه در تسلط «گفتمان امپریالیستی» انگلیسی‌ها و ضعف قدرت شاهان قاجار ریشه داشت که مبتنی بر «گفتمان پاتریمونیال سنتی» بود؛ زیرا مبارزه با برده‌فروشی دستاویز مهمی برای انگلیسی‌ها به منظور افزایش تسلط و نفوذ در منطقه خلیج‌فارس و حفظ منافع اقتصادی آن‌ها در منطقه بود. موضع‌گیری نامناسب و مقتدرانه شاهان قاجار در مقابل ایجاد و رشد منع برده‌فروشی، که ضایعات زیادی برای دولت ایران و شیوخ منطقه خلیج‌فارس داشت، نقش قابل‌توجهی بر تداوم این جریان تا اوایل قرن بیست م. مطابق با اواخر دوره حکومت قاجارها، داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. J. Sheil
2. Critical discourse analysis
3. Norman Fairclough
4. Imperialism discourse
5. Patrimonialism
6. Text linguistics
7. intertextuality
8. phonology
9. semantics
10. interpretation
11. explanation

12. تصویر سند شماره 1.

13. تصویر سند شماره 2.

14. تصویر سند شماره 3.

15. Situational context

16. text

چرایی شکل‌گیری و تداوم جریان منع... _____ نرگس علیپور

- 17. Palmereston
- 18. Mcneil
- 19. T. Farrant
- 20. collocation

21. منظور از وجهیت (modality)، نگرش‌گوینده یا نویسنده به میزان قطعیت وقوع گزاره است که از طریق پاره‌گفتار یا متن، نمود عینی می‌یابد.

- 22. collocation
- 23. intertextual
- 24. Intertextual context
- 25. presuppositions
- 26. Producers

27. واژه امپریال (Imperial) که از ریشه لاتینی (Imperilim) گرفته شده، در دهه آخر قرن نوزدهم در انگلستان رواج یافت. به‌طور کلی، واژه امپریال به‌معنای قدرت مطلقه، حق حاکمیت مطلق، اختیار مطلق، امپراتوری، حق فرمانروایی و اجرای قانون است. اما اصطلاح امپریالیسم به اعمال سیاست‌های توسعه‌طلبانه اقتصادی و برتری‌طلبی (هژمونی) سیاسی دولت‌های نیرومند بر ملت یا ملت‌های دیگر اطلاق می‌شود.

فهرست منابع

الف: اسناد

- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QH1263-6-15-5
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QH1264-6-6-2
- مرکز اسناد آرشیوی وزارت امور خارجه، شماره: QH1263-6-15-9

ب: کتب فارسی و انگلیسی

- آدمیت، فریدون؛ امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، 1362.
- آقاگل‌زاده، فردوس، و مریم‌سادات غیثیان؛ رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، مجله زبان‌شناسی، س 3، ش 1، صص 39-54.
- بشیریه، حسین؛ دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی)، تهران، نشر نگاه معاصر، 1381.
- زیباکلام، صادق؛ سنت و مدرنیته، چاپ چهارم، تهران: روزنه، 1379.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 7، شماره 3، پاییز و زمستان 1394

- ساعی، احمد؛ نشریه حقوق «دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران»؛ پاییز 1385، شماره 73، صص 133-154.
- علیپور، نرگس؛ اسناد برده‌فروشی و منع آن در عصر قاجار، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1390.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (فاجاریه 1332-1215 ق)؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران، گستره، 1362.
- فرکلاف، نورمن؛ تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان: فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، 1379.
- کدی، نیکی. آر؛ ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، تهران، ققنوس، 1381.
- ویلسون، سر آرنولد؛ خلیج فارس؛ ترجمه محمد سعیدی؛ تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1366.